



دکتر
مهتاب
علی نژاد
جامعه شناس

عکس تزئینی است



نگاهی کوتاه به آسیب فرهنگی که مادران را نشانه گرفته است

فرارسیدن تعطیلات تابستانی به مادران مبارک!

برخی مادرها که فرزندان محصل در مقطع ابتدایی و متوسطه دور اول دارند، این روزها در تب و تاب امتحانات پایان سال پرمشغله تر از چند ماه قبل به نظر می‌رسند، مادرانی که با آغاز کرونا و مجازی شدن آموزش، علاوه بر نقش مادری، به ایفای نقش کمک‌معلمی نیز مجبور بوده‌اند. مادران زیادی از اینکه به دوره تعطیلات تابستانی نزدیک می‌شوند خوشحال هستند و امیدوارند با فرارسیدن تعطیلات مدارس بتوانند کمی هم برای خودشان وقت بگذارند و به برنامه‌های شخصی و فردی شان که یک سال است فرصت انجامش را نداشته‌اند رسیدگی کنند.

در یک گروه هم‌اندیشی مادران که با شروع کرونا و مجازی شدن آموزش به دلیل هم‌فکری و استفاده از تجربه‌های یکدیگر برای همراهی بهتر با فرزندان‌شان تشکیل شده بود، مادران از بی‌نظمی‌ها و نابلدی‌های مدیران سیاست‌گذار امر آموزش مجازی گله کرده و درباره خستگی‌هایشان از افزایش نقش کمک‌معلمی به وظایف مادری آن هم وقتی برای آن آموزشی ندیده‌اند، فشارهای روانی ناشی از کار فرزندان‌شان با سیستم آموزشی شاد و سرعت اینترنت و هدر رفتن بسیار زیاد زمان برای آپلود کردن تکالیف کلاسی

برای همیاری مادران مسئولیت‌پذیر باشید

نگرش جامعه به وظایف مادران باید از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی اصلاح شود زیرا تطابق نداشتن حجم وظایف مادران با سبک زندگی زن امروز فشارهایی روانی بر مادران تحمیل کرده است و روان‌رنجوری مادر امروز ایرانی و متعاقب آن جامعه را تهدید می‌کند. مادران باید از این حق برخوردار باشند که در کنار انجام نقش مادری، به نیازهای فردی خود نیز رسیدگی کنند. با این حال، از آنجا که تغییر یا اصلاح نگرش به‌ویژه در امور فرهنگی امری زمان‌بر و طولانی‌مدت است و در بهترین حالت و بالاترین سطح مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران اجتماعی به شکیبایی اجتماعی میان‌مدت نیازمند است، به عنوان یکی از اعضای خانواده، دست‌به‌کار شوید و با برعهده گرفتن ساعتی اداره امور منزل از امور خدماتی نظافتی گرفته تا مراقبت از فرزند کوچک‌تر، برای مادر خانواده فرصت برقراری ارتباط همدلانه و وقت‌گذرانی با دوستانش را فراهم آورید. بگذارید مانند شما با گستردگی بخشیدن به دامنه فعالیت‌های اجتماعی بیرون از خانه، پیشرفت‌های فردی را تجربه کند و زندگی بانشاطی داشته باشد. اگر حال مادران خوب باشد، می‌تواند ستون نگهداری خانواده شود.

مادران را به عنوان یک انسان اجتماعی دریابید

وقت آن رسیده است که اشکالات فرهنگی‌ای که در زمینه وظایف نقش‌های مادران وجود دارد در فهرست الزامات اصلاح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی قرار گیرد. عموماً تاکنون نگاه نقادانه سازنده به تکالیفی که نظام اجتماعی برای مادران در نظر گرفته از سوی جامعه و حتی خود زنان صورت نگرفته است. انتظارات اجتماعی از مادران شاید در گفتار، کمی تغییر کرده باشد اما در عمل و شیوه رفتار، هم‌چنان انتظار می‌رود یک زن وقتی نقش مادری را پذیرفت، خود را به کل وقف کانون خانواده و برآورده‌سازی تقاضاهای سایر اعضای خانواده کند. توجه به مادر به عنوان یک فرد که دارای شخصیتی مجزا از همسر و فرزندان باشد عمومیت اجتماعی نیافته است. هنوز تعداد فراوانی از افراد جامعه و چه‌بسا خود مادران تصور می‌کنند مادری یعنی فراموش کردن خود و حل شدن در شخصیت و نیازهای همسر و فرزندان. آیا اگر آگاهی اجتماعی و فرهنگی درباره آسیب‌های بلندمدت از خود بیگانه شدن مادران برای خودشان و جامعه افزایش یابد، باز هم جامعه از مادران انتظار دارد خود را به نفع خانواده فراموش کنند؟